

لالا لالا / لالايي

دل زن مادر / جون بابايي
غم و غصه بي شماره علي آروم بگير
جگرم شد پاره پاره علي آروم بگير
حال تو خراب / حال من خراب
عمو برنگشت / ديگه آب بي آب

لالا لالا / اي گل پونه

خشک شده شيرم / خدا ميدونه
گريه کم کن نازنينم خجالت ميکشم
ندارم طاقت ببينم... خجالت ميکشم
به گمون گلم / عمر تو کمه
رد ناخونات / روی سينمه

لالا لالا / غنچه ي پرپر

با لب تشنه / جون دادی اصغر
حرمه با بغض و کينه تو رو از من گرفت
الهي که خير نبينه تو رو از من گرفت
با سه شعبه اي / تا اشاره کرد
گلو تو رو / پاره پاره کرد

تو رفتی و / اين دم تنگه

بسترت خاک و / بالشت سنگه
اومدم بوسه بگيرم از لب ناز تو
مردم و بر هم نهادم چشماي باز تو
...توی ذهنمه / که قماط تو
منو ميکشه / خاطرات تو

شاعر: عليرضا خاکساري

تلظي مکن نازنينم/ تلظي مکن جان بابا

مبادا که دشمن ببيند/ تکان خوردن شانه ام را
بين بي تو تنهايي ام را/ بين خم شده قامت من
به خون تو دستم حنا شد/ علي اصغر اي زينت من
تلظي مکن اي/ گل پرپر من
يا باب الحوائج/ علي اصغر من

(لالايي، علي اصغر)

چرا نازکاي گلويت/ دگر جای بوسه ندارد

شده موسم آن که خونت/ به عرش الهي ببارد
تو ذبح حسيني که عطشان/ منا کرده اي کربلا را
که گهواره ي خالي تو/ تکان داده ارض و سما را
مرا می کشد غم/ در اين حال محزون
که لبهاي خشکت/ لبالب شد از خون

(لالايي، علي اصغر)

شده جلوه ي اسم اعظم/ به چشمان ناز تو پيدا

تو سر حسيني که آمد/ براي شهادت به دنيا
اگرچه که ششماهه باشي/ تو هفت آسمان را نشانی
تو طفلي وليکن شگفتا / که پير همه عارفاني
شبيته ندیدم/ شهیدی به عالم
تو را با دو دستم/ به حق، هدیه دادم
(لالايي، علي اصغر)

شاعر: ميلاد عرفان پور

شعر واحد

بگو که یک شبه مردی شدی برای خودت
و ایستادی امروز روی پای خودت
نشان بده به همه چه قیامتی هستی
و باز در پی اثبات ادعای خودت
از آسمانی گهواره روی خاک بیفت
بیفت مثل همه مردها به پای خودت
پدر قنوت گرفته ترا برای خدا
ولی هنوز تو مشغول ربنای خودت
که شاید آخر سیر تکامل حلقه
سه جرعه تیر بریزی درون نای خودت
یکی به جای عمویت که از تو تشنه تر است
یکی به جای رباب و یکی به جای خودت
بده تمام خودت را به نیزه ها و بگیر
برای عمه کمی سایه در ازای خودت
و بعد همسفر کاروان برو بالا
برو به قصد رسیدن به انتهای خودت
و در نهایت معراج خویش می بینی
که تازه آخر عرش است ابتدای خودت
سه روز بعد در افلاک دفن خواهی شد
درون قلب پدر خاک کربلای خودت

شاعر: هادی جانفدا

متن سرود پایانی

پیرو راه سرخ اربابیم - با نوای حسین(ع) در تب و تابیم
هرکجا رفتیم گفتیم با حسین(ع) هستیم
از ازل دل را به موج پرچمش بستیم
گدایی ساده ایم، به او دل داده ایم
سیه پوش غم و محرم زاده ایم
حسین(ع)، آرام جانم
حسین(ع)، روح و روانم

ما دلیران خاک ایرانیم - طفل گهواره پیر جمارانیم
هر زمینی هر زمانی کربلا دارد
شیعه بر لب نغمه ی یا لیتنا دارد
غلام حیدریم، به زهرا نوکریم
ولایت محور و فدای رهبریم

حسین(ع)، آرام جانم

حسین(ع)، روح و روانم

شاعر: سید سعید ضیاءتبار